





مرکز بین المللی همایش ها و سمینارهای
توسعه پایدار علوم جهان اسلام

hcwconf.ir

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبای



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی آل ط
Ministry of Science,
Research & Technology
Ala-Taha Institute of Higher
Education

۲۲ اسفندماه ۱۴۰۰

عنوان: مروری بر مطالعات اخیر در حوزه هوش و تأثیر آن بر
تفاوت های فردی

نویسندگان: زهرا پهلوانی
غزال زندکریمی*

مشخصات نویسندگان:

زهرا پهلوانی: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده رفاه. ایمیل:

zahrapahlevaniii@gmail.com

غزال زندکریمی*:

گروه روانشناسی، دانشکده رفاه، ایمیل:

zandkarimi@refah.ac.ir

چکیده

در این مقاله کوشش شده است تا با بررسی مطالعات اخیر در مورد هوش و تفاوت‌های فردی دیدگاه مطالعات را بررسی کند. تحقیقات مورد بررسی شامل این موارد است؛ ویژگی هوش هیجانی و تجربیات هیجانی در طول شیوع همه‌گیر کووید 19 در لهستان، هوش هیجانی و دلبستگی در دوران بزرگسالی از طریق شیوه فراتحلیل، تفاوت‌های فردی در تأثیرات یک مداخله روانشناسی مثبت، حالت مردانگی می‌تواند از آنچه فکر می‌کنیم سمی‌تر باشد، تأثیر اسکیزوفرنی و هوش در رابطه بین سن و حجم مغز، نقش شخصیت و هوش هیجانی در انعطاف‌پذیری، افزایش هوش هیجانی پرستاران با یک اقدام مختصر، هوش هیجانی و فرآیندهای تنظیم هیجان روز به روز، انواع هوش‌های پیش‌بینی‌کننده احتمالی برای ازدواج و پایدار ماندن آن، نقش ویژگی‌های شخصیتی و هوش در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی روسی.

کلمات کلیدی: هوش، هوش هیجانی، تفاوت‌های فردی

مقدمه

درباره‌ی ساختمان و ماهیت هوش بحث‌هایی انجام گرفته است عمدتاً بر محور چهار نظریه‌ی روان‌سنجی، نظریه‌ی عصبی - زیستی هوش، نظریه‌ی رشدی هوش و نظریه‌ی شناختی و پردازش اطلاعات. نظریه‌ی روان‌سنجی بر این فرض مبتنی است که هوش یک سازه یا یک صفت است و از این نظر بین افراد تفاوت‌هایی وجود دارد. چنانکه ثرندایک روان‌شناس معروف امریکایی در تأکید بر روان‌سنجی می‌گوید: «اگر چیزی وجود داشته باشد، مقادیر مختلفی به خود می‌گیرد و هر آنچه که مقادیر مختلفی به خود بگیرد قابل اندازه‌گیری است.» در نظریه‌های مربوط به هوش چنین فرض می‌شود که یک زمینه‌ی عصبی وجود دارد که در نهایت هوش به آن وابسته است. در نظریه‌ی عصبی - زیستی، رابطه‌ی بین هوش و ویژگی‌های نظام عصبی مانند فیزیولوژی عصبی، فرایندهای برقی - شیمیایی، و اندازه و مشخصات مغز مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از انتقادهایی که به نظریه‌ی روان‌سنجی وارد کرده‌اند این است که در این نظریه بیشتر به نمره‌های آزمون و داده‌های کمی توجه دارند تا کیفیت پاسخ‌های آزمودنی‌ها یا دلایلی که این پاسخ‌ها بر آن‌ها استوارند. برعکس، پیازنه پاسخ‌های غلط کودکان به پرسش‌های آزمون را به عنوان وسیله‌ای برای شناخت فرایندهای درونی آنان مورد توجه قرار داد. در سال‌های آخر 1970 و سال‌های دهه‌ی 1980، تأکید روان‌شناسان به بُعد شناختی هوش سبب شده است که در الگوهای هوش به جای محتوا، کنش فرایندهای ذهنی مورد توجه قرار گیرد (پاشاشریفی، 1395).

سازه: Construct

صفت: Trait

ثرندایک: E. L. Thorndike

پاشاشریفی، حسن، (1395)، نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت، تهران، انتشارات سخن، فصل دوم، مفهوم هوش، تفاوت‌های فردی و گروهی و عوامل مؤثر بر آن‌ها

هاوارد گاردنر (1993 الف) نظریه هوش چندگانه را برای مقابله مستقیم با به قول خودش دیدگاه کلاسیک هوش (که آن را همان تفکر منطقی می‌دانست) تدارک دید. گاردنر یادآور می‌شود که هر هوش نه چیز یا وضعیتی معین در مغز، بلکه توان بالقوه‌ای است که حضورش، به گونه‌های فکری متناسب با موقعیت خاص در شخص میدان می‌دهد. گاردنر هفت نوع هوش که مستقل از یکدیگرند قائل است که هر یک حسب موازین مختص خود به صورت دستگاه جداگانه‌ی کار می‌کند. این هفت هوش عبارت‌اند از: الف) زبانی ب) موسیقیایی ج) منطقی - ریاضیاتی د) فضایی ه) تخیلی - حرکتی، و) درون‌فردی و ز) میان‌فردی. آندرسن درصدد تبیین جنبه‌های گوناگون هوش است - نه فقط موضوع تفاوت‌های فردی بلکه چگونگی افزایش توان‌های شناختی بر اثر رشد، عملکرد توان‌های اختصاصی و همچنین وجود توان‌های همگانی و یکسان در بین مردم، نظیر دیدن اشیا در سه بعد. بنابراین برای تبیین این جنبه‌ها به وجود یک سازوکار پردازشی زیربنایی معادل هوش عمومی اسپیرمن، همراه با پردازشگرهای ویژه‌ای که با تفکر گزاره‌ی و عملکردهای دیداری و فضایی سروکار دارند قائل می‌شود. وجود توان‌های همگانی همسان را با مفهوم «دستگاه‌های مستقل» که عملکردشان درگرو پدیده‌ی رسش است تبیین می‌کند. نظریه‌ی سه‌وجهی اشترنبرگ بر این باور بنا شده که نظریه‌های پیشین نه نادرست بلکه ناقص و ناکامل است. سه خرده نظریه در آن مطرح می‌شود: نظریه مولفه‌ی (ناظر به سازوکارهای پردازشگری درونی)؛ خرده نظریه‌ی تجربه‌نگر (تجربه شخص با هر تکلیف و موقعیت) و خرده نظریه‌ی بافت‌نگر (رابطه بین محیط خارجی و هوش شخص). نظریه زیست - بوم‌شناختی سوسی با پیش کشیدن نقش گسترده‌تری برای بافت، نظریه‌ی اشترنبرگ را وسعت می‌دهد. سوسی ضمن رد استعداد عمومی واحد برای حل مسأله به صورت انتزاعی، هوش را وابسته به چند استعداد شناختی می‌شمارد. گرچه این استعدادها را دارای بنیان‌زیستی می‌داند لیکن جلوه‌گری آن‌ها را وابسته به دانش و معلومات اکتسابی شخص در هر زمینه به‌شمار می‌آورد. به این ترتیب در نظریه‌ی او دانش و اطلاعات نقش حساسی در هوش پیدا می‌کند (براهنی و همکاران، 1393).

براهنی، محمدنقی، بیرشک، بهروز، بیک، مهرداد، زمانی، رضا، شاملو، سعید، شهرآرای، مهرناز، کریمی، یوسف، گاهان، نیسان، محی‌الدین، مهدی، هاشمیان، کیانوش، (1393)، متن کامل زمینه‌ی روان‌شناسی هیلگارد، تهران، انتشارات رشد، فصل دوازدهم، تفاوت‌های فردی

تحقیقی با عنوان ویژگی هوش هیجانی و تجربیات هیجانی در طول شیوع همه‌گیر کووید 19 در لهستان، بدین صورت است که هوش هیجانی را به عنوان پیش‌بینی‌کننده برای واکنش‌های هیجانی که در اولین هفته کامل قرنطینه در لهستان (از 16 تا 22 مارس) تجربه شد در نظر می‌گیرد. صد و سی نفر (۱۰۱ زن و ۲۵ مرد؛ ۴ نفر از آنها جنسیت خود را گزارش نکرده‌اند) در اندازه‌گیری صفات هوش هیجانی، احساسات مثبت و منفی و بر شدت احساسات و یک دفترچه خاطرات روزانه یک هفته‌ای شرکت کردند. ویژگی هوش هیجانی با احساسات مثبت اولیه رابطه مثبت دارد، در حالیکه با احساسات منفی اولیه رابطه منفی دارد. ویژگی هوش هیجانی تا حدودی میزان کمتری از خشم، بی‌زاری و ناراحتی را در طول هفته اول بیماری همه‌گیر، پیش‌بینی کرد.

ویژگی هوش هیجانی شدت ترس، اضطراب و ناراحتی کمتری را پیش‌بینی کرد. در این مطالعه پویایی پیچیده‌ای از تجربیات هیجانی را در هفته اول همه‌گیری کووید 19 نشان داد. حالات مثبت استراحت و شادی در مقایسه با احساسات منفی به ظرفیت منفی، بیشتر و شدیدتر تجربه می‌شود. نقش حمایتی هوش هیجانی ویژگی در طول شیوع همه‌گیر کووید 19 به طور عمده با تجربه هیجانات منفی (ترس، اضطراب و ناراحتی) با شدت کم‌تر اما نه به طور مکرر همراه بوده است. اضطراب، بیشتر از ترس در زمان شیوع کووید 19 در لهستان مشکلاتی را ایجاد کرد.

این امر ممکن است به دلیل اطلاعات ضعیف در مورد تهدید، دستورالعمل های روشن و کافی در مورد اقدامات انجام شده، سردرگمی در مورد هدف انزوای اجتماعی و پیامدهای اقتصادی و روانی آن باشد. افراد باهوش دارای هوش عاطفی، تهدید مربوط به همه گیری کووید 19 را کمتر منفی می دانند یا از استراتژی های کارآمد مقررات برای کاهش شدت واکنش های ترسناک، مضطرب یا غم انگیز به بیماری همه گیری استفاده می کنند. ویژگی هوش هیجانی با گرایشی مثبت و شدت مثبت به طور مثبتی هم بسته بود.

همبستگی منفی بین ویژگی هوش هیجانی و گرایش احساسات منفی و شدت احساسات منفی دیده شد. همبستگی نیمه جزئی بین ویژگی هوش هیجانی و احساسات مثبت و اثر منفی در زمان کنترل شدت آن معنی دار بود. ویژگی هوش هیجانی تنها زمانی که برای اثر مثبت و منفی کنترل می شود با شدت منفی همبستگی داشت این مطالعه می تواند کاربردهای بالینی مهمی برای سلامت روانی عمومی داشته باشد. از آنجا که نگرانی عمده متخصصان سلامت روانی در رابطه با واکنش های عمومی نسبت به بیماری همه گیر کووید 19 مربوط به افزایش سطح هراس، افسردگی یا واکنش های اضطرابی بود، این مطالعه نشان داد که پتانسیل «مثبت» بیماری همه گیر و اقدامات ویژه معرفی شده در کشورهای خاص (برای مثال قرنطینه) نیز ممکن است وجود داشته باشد (موروش و بیولی - موروش، 2021).

Moron, Marcin, Biolik-Moron, Magdalena, (2021), trait emotional intelligence and emotional experiences during the COVID-19 pandemic outbreak in Poland; a daily diary study, personality and individual differences 168

در مقاله تحت عنوان هوش هیجانی و دلبستگی در دوران بزرگسالی که از شیوه فراتحلیل استفاده شده است، به این صورت بیان می‌کند که سبک های دلبستگی در طول تجربیات هیجانی دوران کودکی شکل می‌گیرد. این تجربیات ممکن است با ویژگی های مرتبط با هیجانات شکل بگیرد، از جمله نحوه تفسیر و تنظیم احساسات خود و دیگران توسط کودکان. این ویژگی های مربوط به هیجان در بسیاری از مدل های هوش هیجانی (EI) پدیدار می‌شود، به طوری که EI ممکن است به سبک های دلبستگی مربوط شود.

ما یک فراتحلیل برای برآورد ارتباط بین EI و سبک های دلبستگی انجام می‌دهیم (26 مطالعه، $N = 6914$). ما فقط نمونه های غیر بالینی و ارزیابی های روان سنجی معتبر را در مطالعه خود می‌گنجانیم. ما نوع EI را به عنوان تعدیل کننده مورد بررسی قرار می‌دهیم و با استفاده از تجزیه و تحلیل زیر گروه ها و فرا رگرسیون، توانایی EI را با مقیاس های رتبه بندی EI مقایسه می‌کنیم. ما دریافتیم که دلبستگی اضطرابی کمتر، به طور معناداری با مقیاس های رتبه بندی EI ($r = 0.25$ ، $k = 26$) و EI توانایی ($r = 0.16$ ، $k = 45$) ارتباط دارد، دلبستگی اجتنابی کمتر، به طور معناداری با مقیاس های رتبه بندی EI ($r = 0.36$ ، $k = 21$) و EI توانایی ($r = 0.21$ ، $k = 40$) مرتبط است، اما دلبستگی ایمن تنها با مقیاس های رتبه بندی EI ($r = 0.31$ ، $k = 30$) فقط ارتباط معناداری دارد. نوع EI فقط ارتباط EI/دلبستگی اجتنابی را تعدیل کرد ($\beta = 0.14$ ، $p = .01$).

ما در مورد مکانیسم های احتمالی که EI می تواند بر توسعه اولیه سبک های دلبستگی (و بالعکس) تاثیر بگذارد، بحث می کنیم در حالی که تصدیق می کنیم جهت علیتی زمینه های ارتباط EI/دلبستگی نامشخص است. فراتحلیل با استفاده از بسته "robumeta" انجام شد. ضریب همبستگی r پیرسون از مطالعات واجد شرایط استخراج شدند و به عنوان معیار اندازه اثر در فراتحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. I^2 برای ارزیابی ناهمگونی همبستگی ها در سراسر مطالعات مورد استفاده قرار گرفت.

به منظور در نظر گرفتن وابستگی بین اندازه های اثر (برای مثال اندازه های اثر چندگانه که از مطالعه مشابه اقتباس شده)، تخمین واریانس قوی (RVE) مورد استفاده قرار گرفت. RVE خطاهای استاندارد را به منظور در نظر گرفتن ماهیت خوشه ای مطالعات موجود تنظیم می کند و برآوردهای پارامتری را فراهم می کند که نسبت به قدرت همبستگی بین اندازه های اثر قوی هستند.

آزمون Egger با در نظر گرفتن خطای استاندارد به عنوان یک پیش بینی کننده در یک فرا رگرسیون اجرا شد. براساس نمودارهای کیفی و آزمون غیر معنادار Eers از عدم تقارن، $(b = 0.55, p = .672)$ ، ریسک سوگیری انتشار کم در نظر گرفته شد. یافته های کلی حاصل از این فراتحلیل، فرصتی عالی را برای تحقیقات آینده جهت تبیین تاثیر عوامل مختلف بر رابطه بین دلبستگی و EI فراهم می آورد (والکر و همکاران، 2022).


Walker, Sarah A, Double, Kit s, Kunst, Hannah, Zhang, Michael, MacCann, Carolyn,(2022), emotional intelligence and attachment in adulthood; a meta-analysis, personality and individual differences 184

در مقاله ای دیگر تحت عنوان تفاوت‌های فردی در تأثیرات یک مداخله روانشناسی مثبت این گونه بیان می‌شود که، هدف آن این طور بیان شده است؛ یک مداخله روانشناسی مثبت (PPI) چندمولفه ای 6 هفته ای با هدف تعیین کردن تاثیراتش روی متغیرهای عاطفی از جمله اضطراب، افسردگی و پریشانی روانشناسی همچنین متغیرهای فرایندی مانند حضور ذهن و تنظیم هیجان و احساس ارزیابی شد. تحقیقات اکتشافی انجام شدند تا تغییرات در تفاوت های فردی را بر طبق مشخصه های خط مبنا در نظر بگیرند.

روش آن این طور بود که مشارکت کنندگان یک نمونه جمعیتی از جامعه فرانسه بودند. آنها به گروه کنترل ($n=43$) یا گروه مداخله ($n=59$) تقسیم شدند. شاخص های خود-ارزیابی شامل پرسشنامه افسردگی حضور ذهن و توجه، پرسشنامه تنظیم احساس شناختی، پرسشنامه اضطراب حالت-صفت اسپیلبرگر، پرسشنامه افسردگی بک و پرسشنامه سلامت عمومی هستند. نتایج این را نشان دادند که علائم اضطراب خصالتی افسرده کننده و پریشانی روانشناسی بطور معناداری بر روی دوره PPI در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافت. درباره متغیرهای فرایندی، حضور ذهن با یک اندازه اثر بزرگ افزایش یافت، پذیرش و ارزیابی مجدد مثبت افزایش یافت، و نمرات برای استراتژی سرزنش دیگری بطور قابل توجهی کاهش یافت. تحلیل های اکتشافی نشان داد که حضور ذهن و ارزیابی مجدد مثبت میل به افزایش دارند حتی بیشتر از وقتی که سطوح اولیه مشارکت کنندگان پایین است.

و مداخلات بالینی آتی باید مشخصه‌های خط مبنا را منظور دارند تا تضمین کنند که مشارکت کنندگان به مؤثرترین و مناسبترین برنامه‌ها برای نیازهای خودشان ارجاع داده می‌شوند. فرضیه این طور بیان شد که تغییرات فرایندی معنادار در حضور ذهن و راهبردهای شناختی درباره تنظیم احساس در طول دوره PPI بر پایه مقایسات با یک گروه کنترل رخ می‌دهد. هدف اکتشافی این تحقیق آن بود که تفاوت‌ها در پیشرفت افراد را بر طبق مشخصه‌های خاصشان در خط مبنا را مد نظر قرار دهد.

هدف ما این است که اثرات متفاوت PPI را بر طبق مشخصه‌های خط مبنا درک کنیم. تحلیل‌های آماری با نسخه نرم افزار R 3.1.2 برای ویندوز انجام شد. گروه‌ها درباره اطلاعات اجتماعی-جمعیت شناختی و متغیرهای خط مبنا با تحلیل‌های کای دو مقایسه شدند، تفاوت‌های بین گروهی با آزمون t دو دنباله ارزیابی شدند، و گروه‌های فرعی با آزمون U مان-ویتنی تحلیل شدند. یک تحلیل واریانس شاخص‌های تکرار شده (ANOVA) انجام شد تا اثرات تعاملی بین گروه و زمان را مطالعه کنیم.



اندازه های اثر محاسبه شدند تا معناداری تاثیر مداخله روی چندین متغیر را ارزیابی کنیم. تفاوت های بین فردی در متغیرها با یک مدل خطی تعمیم یافته (GLM) که نیاز به کتابخانه "lme4" داشت، تحلیل شدند (آنتونی و همکاران، 2018).

Antoine, Pascal, Dauvier, Bruno, Andreotti, Eva, Congard, Anne, (2018), individual differences in the effects of a positive psychology intervention; applied psychology, personality and individual differences 122

مقاله‌ای دیگر تحت عنوان حالت مردانگی می‌تواند از آنچه فکر می‌کنیم سمی‌تر باشد، به تأثیر نقش‌های جنسیتی بر ویژگی دستکاری عاطفی پرداخته است، در این مقاله بیان می‌کند که تحقیقاتی بیشتر از این مطالعه به تفاوت‌های جنسیتی در دستکاری‌های عاطفی پرداخته است؛ به ویژه اینکه، مردان بیشتر از زنان ممکن است با دستکاری عاطفی درگیر شوند.

دستکاری‌های عاطفی: Emotional manipulation

هدف این مطالعه تفسیر این تفاوت‌های جنسی با بررسی تأثیر نقش‌های جنسیتی در پیشبینی ویژگی دستکاری عاطفی برای اولین بار است. شرکت کنندگان شامل 435 زن و 139 مرد (N = 574) بودند که سطوح نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه، و همچنین روانپریشی اولیه و ثانویه، هوش هیجانی و دستکاری عاطفی خود را گزارش کردند.

روانپریشی: psychopathy

رگرسیون های جداگانه برای هر جنسیت انجام شد. همانطور که پیش بینی می شد برای هر دو جنس زن و مرد، نقش جنسیتی مردانه، دستکاری عاطفی را به طور مثبتی پیش بینی کرد. پیش بینی کننده معنی دار دیگری برای مردان وجود نداشت، با این حال شواهدی مبنی بر سرکوب آماری در نقش های جنسیتی زنان وجود داشت. نقش های جنسیتی زنانه ی کم، روانپریشی اولیه و ثانویه بالا، و هوش هیجانی بالا در زنان همگی به طور معناداری دستکاری عاطفی را پیش بینی کردند.

سرکوب آماری: Statistical suppression

تاثیر هوش هیجانی از طریق سرکوب آماری است. این مطالعه نشان دهنده یک گام مهم اولیه در اثر متقابل اجتماعی شدن و دستکاری عاطفی است. تحقیقات آینده از استفاده از یک رویکرد طولانی مدت بهره خواهد برد تا تعیین کند که آیا می توان از طریق تغییر نقش های جنسیتی دستکاری عاطفی را کاهش داد. سابقا، مردان در دستکاری اجتماعی بالاتر از زنان قرار گرفتند. توجه به ماهیت چاپلوسانه ی آیتم های دستکاری اجتماعی، فرض شد که نقش های جنسیتی مردانه به طور مثبتی توانایی دستکاری عاطفی گزارش شده توسط خود فرد را پیش بینی می کنند و اینکه نقش های جنسیتی زنانه توانایی دستکاری عاطفی گزارش شده توسط خود فرد را به شکل منفی پیش بینی می کنند.

برای بررسی واضح تاثیرات جنسیت، داده ها در زنان و مردان به صورت جداگانه تحلیل شد. در مدل نهایی، نقش های جنسیتی مردانه تنها پیشبینی کننده ی فردی معنادار دستکاری عاطفی بود. درحالیکه نقش های جنسیتی زنانه در مدل نهایی دستکاری عاطفی را به طور معناداری پیش بینی نکردند، وزن بتا و همبستگی دو متغیره ی آنها یک اثر سرکوب را نشان می دهد. تمام پیش بینی کننده ها به طور معناداری به مدل نهایی کمک کردند و دستکاری عاطفی بیشتری در سطوح بالاتر نقش های جنسیتی مردانه، روانپریشی اولیه، روانپریشی ثانویه و هوش هیجانی و سطوح پایین تر نقش های زنانه پیش بینی شد.

هوش هیجانی همانگونه که از همبستگی دو متغیره ی پایین آن در دستکاری عاطفی پیدا است به طور معناداری از طریق سرکوب کمک کرد (گریو و همکاران، 2019).

Grive, Rachel, March, Evita, Van Doorn, George, (2019), masculinity might be more toxic than we think; the influence of gender roles on trait emotional manipulation, personality and individual differences 138

در تحقیق دیگری تحت عنوان تأثیر اسکیزوفرنی و هوش در رابطه بین سن و حجم مغز این طور بررسی کرده است که معلوم شده است که سن بر حجم ماده خاکستری (GM) و ماده سفید (WM) تأثیر دارد ، که شیب کاهش وابسته به سن در بیماران اسکیزوفرنی نسبت به گروه کنترل سالم بیشتر است. در اسکیزوفرنی ، ارتباط بین سن و حجم مغز به دلیل عواملی مانند هوش پایین تر ، داروهای ضد روان پریشی و مصرف حشیش پیچیده تر می شود ، نشان داده شده است که همگی این موارد دارای تأثیرات مستقیمی بر حجم مغز هستند.

در مطالعه ی انجام شده روی 54 بیمار اسکیزوفرنی مرحله اولی که تابحال داروی ضد روان پریشی استفاده نکرده بودن، و گروه کنترل متشکل از 56 فرد سالم، اثرات افزایش سن را بر مقادیر کلی حجم ماده خاکستری و سفید، و اینکه آیا این اثرات توسط اسکیزوفرنی و ضریب هوشی تعدیل میشود یا خیر را بررسی کردیم. در مرحله دوم، ما استفاده از حشیش در طول زندگی را به عنوان تعدیل کننده رابطه بین سن و حجم مغز بررسی کردیم. حجم GM در بیماران اسکیزوفرنی کمتر از افراد سالم بود اما در حجم WM تفاوتی نداشتند.

رابطه ای بین افزایش سن و حجم ماده خاکستری مشاهده شد که نشان می دهد افزایش سن با حجم ماده خاکستری کمتری همراه است ، که از این مورد تفاوتی بین گروهها وجود ندارد. ضریب هوشی تأثیر مستقیمی بر روی ماده خاکستری نداشت ، اما مشاهده شد که با کاهش ضریب هوشی اثر سن افزایش پیدا میکند. افزایش سن اثری بر حجم ماده سفید نداشت ، اما با افزایش ضریب هوشی حجم ماده سفید نیز افزایش پیدا میکرد. مصرف حشیش در طول زندگی به طور قابل ملاحظه ای این تغییرات را تغییر نداد.

این مطالعه به تأثیرات اسکیزوفرنی روی ماده خاکستری در اوایل بیماری ، قبل از شروع درمان ضد روان پریشی ، اشاره دارد که نشان می دهد تغییرات ماده سفید ممکن است بعداً در روند بیماری رخ دهد. ضریب هوشی در بیماران نسبت به گروه های کنترل با میانگین نمره Z به طور قابل توجهی پایین تر است ، که شبیه به مطالعات دوره اول قبلی است. مصرف حشیش مادام العمر به طور قابل توجهی در گروه بیمار بیشتر از گروه شاهد بود. سن و گروه اثر چشمگیری بر حجم GM نداشتند. در حالی که ضریب هوشی تأثیر مستقیم بر ماده خاکستری ندارد ، اما یک تعامل گرایی "سن*ضریب هوشی" وجود داشت.

این تعامل بیان می‌کند که با کاهش ضریب هوشی، شیب نمودار رسم شده بین GM و سن یک شیب منفی شدیدتری داشت. تعامل گروه*سن وجود نداشت. استعمال حشیش اثر مستقیمی روی حجم GM و تعامل چشمگیری با گروه نداشت (جنسن و همکاران، 2019).

Jensen, Maria H, Bak, Nikolaj, Rostrup, Egill, Nielsen, Mette, Pantelis, Christos, Glenthøj, Birte Y, Ebdrup, Bjorn H, Fagerlund, Birgitte, (2019), the impact of schizophrenia and intelligence on the relationship between ago and brain volume, schizophrenia research; cognition 15

در مقاله‌ای دیگر با عنوان نقش شخصیت و هوش هیجانی در انعطاف‌پذیری بررسی شده است که دو مطالعه، درباره نقش هوش هیجانی (EI) در انعطاف‌پذیری خود-سنجی گزارشی را ارائه می‌کنند که افزون بر آن، از سه مدل امروزی صفات شخصیتی، که اغلب در تحقیقات ذکر می‌شوند محسوب می‌شوند. مقیاس انعطاف‌پذیری برای جوان (RYSA)، فرم کوتاه پرسشنامه‌ی ویژگی هوش هیجانی (TEIQue-SF)، پرسشنامه‌ی پنج عاملی شخصیت (BFQ)، مقیاس کوتاه (Mini-IPIP)، HEXACO-60، و فرم کوتاه اصلاح شده‌ی پرسشنامه‌ی شخصیتی آیزنک (EPQ-RS)، برای 186 دانشجوی ایتالیایی و 189 کارمند بزرگسال ایتالیایی استفاده شد.

هوش هیجانی: emotional intelligence

مقیاس انعطاف‌پذیری برای جوانان: Resiliency Scale for Young Adults

فرم کوتاه پرسشنامه‌ی ویژگی هوش هیجانی: Trait Emotional Intelligence Questionnaire Short Form

پرسشنامه‌ی پنج عاملی شخصیت: Big Five Questionnaire

مقیاس کوتاه: Mini International Personality Item Pool Scale

فرم کوتاه اصلاح شده‌ی پرسشنامه‌ی شخصیتی آیزنک: Eysenck Personality Questionnaire Revised Short Form

تجزیه و تحلیل‌های رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که EI از واریانس اضافی در انعطاف‌پذیری محسوب می‌شود که علاوه بر آن توسط هر یک از چهار مدل صفات شخصیتی در هر دو نمونه نیز ارائه می‌شود. در رگرسیون‌های سلسله مراتبی، نتایج حاصل شده برای دانشجویان ایتالیایی این طور نتیجه داد که مدل‌های رگرسیون سلسله مراتبی در هر یک از چهار مقیاس صفات شخصیتی (BFQ، MINI-IPIP، HEXACO-60، EPQ-RS) وارد مرحله اول شدند که به دنبال آن صفات EI وارد مرحله دوم شدند، چهار معیار شخصیتی شامل 41 تا 51 درصد واریانس بودند که EI 10-17 درصد دیگری به آن می‌افزود که نتیجه آن به وجود آمدن شخصیت کلی می‌باشد - مدل‌های EI شامل 51 تا 61 درصد واریانس در RVI بودند.

حاصل بررسی رگرسیون‌های سلسله مراتبی، این طور بود که نتایج حاصل شده برای کارکنان ایتالیایی، چهار تجزیه و تحلیل مختلف رگرسیون سلسله مراتبی، که هر کدام، معیار صفات شخصیتی متفاوتی را به کار می‌گیرد (BFQ، MIMI-IPIP، HEXACO-60، EPQ-RS) وارد مرحله اول شدند که به دنبال آن صفات EI وارد مرحله دوم شدند در مقایسه با نمونه دانشجویان، چهار معیار شخصیت شامل 33 تا 42 درصد واریانس بودند و EI، 8-14 درصد دیگر را به آن افزود. که این کار باعث شد مدل کلی شامل 45 تا 52 درصد واریانس در RVI باشد که در کل، کمتر از مقدار گزارش شده برای گروه دانشجویان است.

این مطالعه علاوه بر اینکه با مطالعات دیگر سازگار هستند، به توصیف انعطاف‌پذیری شخصی به عنوان مجموعه‌ای از منابع انفرادی مرتبط با صفات شخصیتی و همچنین صفات EI نیز می‌پردازند (فابیو و ساکلوفسکه، 2018).

Fabio, Annamaria, Saklofske, Donald H, (2018), the contributions of personality and emotional intelligence to resiliency, personality and individual differences 123

در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان افزایش هوش هیجانی پرستاران با یک اقدام مختصر بیان شد که هوش هیجانی با دامنه وسیعی از عقاید شخصی، شغلی و اجتماعی همراه است و در چندین مورد اثبات شده است که برای آموزش پرستاری و تکنیک های بالینی کاربرد دارد. علیرغم رشد پشتیبانی از افزایش تمرکز بر هوش هیجانی در پرستاری و تعلیم پرستاران، شواهد تجربی برای اثربخشی تعلیم برای افزایش هوش هیجانی خیلی اندک است.

هوش هیجانی: EI

هدف مطالعه حاضر این است که تأثیر یک برنامه تعلیم مختصر «هوش هیجانی» برای پرستاران انتخاب شده را آزمایش کند. روش تحقیق این طور بود که یک مطالعه شبه-آزمایشی سایت متقاطع را انجام شد که هوش هیجانی پرستاران قبل از تعلیم هوش هیجانی (T1) و سه ماه بعد از تعلیم هوش هیجانی (T2) را با یک گروه کنترل مشابه (تعلیم داده نشده) مورد سنجش قرار می داد (total n = 60). تعلیم هوش هیجانی شامل یک کارگاه 5 ساعته، یک جلسه پسخوراند (بازخورد) تک به تک 30 دقیقه ای، و یک یادآوری پیگیری فردی شده (که از طریق اس ام اس ارسال می شد) بود. و نتایج این گونه بیان شد که تعلیم هوش هیجانی منجر به افزایش مهمی در امتیازات هوش هیجانی در سطوح خط مبنا برای گروه تعلیم یافته گشت اما افزایشی برای گروه کنترل مشاهده نشد.

این مطالعه مقدماتی، شواهد واضحی را برای کاربردپذیری و سودمندی یک اقدام تعلیم کم هزینه برای پرستاران در یک محیط دنیای واقعی فراهم ساخت. در این تحقیق بررسی شد که اگرچه گروه کنترل با امتیازات خیلی بالاتری نسبت به گروه اقدام شروع کرده است اما امتیازات هوش هیجانی گروه اقدام از میانگین $(SD=0.18)$ 3.77 در خط مبنا به $(SD=0.25)$ 4.09 در T2 افزایش می یابد. بعلت تفاوت های بزرگ در امتیازات هوش هیجانی برای این دو گروه در خط مبنا، ما امتیازات قبل و بعد از تعلیم را برای هر گروه بصورت جداگانه و از طریق تست های t نمونه های جفتی مقایسه کردیم.

این تأیید کرد که تعلیم هوش هیجانی منجر به افزایش مهم امتیازات در سنجش هوش هیجانی GENOS می گردد: $t(19) = -4.77, p < .001$. اندازه اثر بزرگ بود ($\text{partial eta} = .56$) [partial eta : جزئی]. هیچ تغییر مهمی در هوش هیجانی در سطح مقیاس فرعی مشاهده نشد. هیچ تغییر مهمی در امتیازات هوش هیجانی برای گروه کنترل از زمان قبل از تعلیم $(M=4.16)$ تا زمان بعد از تعلیم $(M=4.16, t(16)=0, p > .05)$ مشاهده نشد. مطالعات قبلی نشان داده اند که هوش هیجانی بالاتر، طیفی از نتایج مطلوب را برای پرستاران؛ پیش بینی می کند.

در اینجا نتیجه‌گیری شد که یک تعلیم مختصر و منفرد با حداقل پیگیری می‌تواند هوش هیجانی پرستاران (که 3 ماه بعد از تعلیم اندازه‌گیری شد) را افزایش دهد (کوزلوفسکی و همکاران، 2018).

Kozłowski, Desiree, Hutchinson, Marie, Hurley, John, Browne, Graeme, (2018), Increasing nurses' emotional intelligence with a brief intervention

در تحقیق دیگری با عنوان هوش هیجانی و فرآیندهای تنظیم هیجان روز به روز، بررسی انگیزه های اشتراک اجتماعی بیان شده است که یک علاقه رو به رشد به فرایند های تنظیم هیجان وجود دارد که اساس عملکرد انطباقی افراد با هوش هیجانی بالا را پایه ریزی می کند. این مطالعه با استفاده از نمونه گیری تجربی بررسی می کند که آیا هوش هیجانی (EI) دانشجویان مقطع کارشناسی ($N = 84$) به استفاده روزمره آن ها از پنج فرآیند تنظیم هیجان در طی یک دوره پنج روزه بستگی دارد یا خیر. ما همچنین آزمایش می کنیم که آیا EI انگیزه هایی برای یکی از فرآیندهای تنظیم هیجان (اشتراک اجتماعی) پیش بینی می کند. ما، هم توانایی EI (تست مختصر وضعیت مدیریت هیجان) و هم خود سنجی EI (مقیاس خود سنجی هوش هیجانی) را می سنجیم. خود سنجی EI به طور قابل توجهی به اشتراک گذاری اجتماعی، اصلاح مستقیم وضعیت و ارزیابی مجدد بیشتری را پیش بینی می کند. EI توانایی قابل توجهی در پیش بینی هیچ یک از پنج فرایند تنظیم ندارد. هم توانایی و هم خود سنجی EI به طور قابل توجهی با انگیزه های ارتباطی و کمی بیشتر برای اشتراک اجتماعی ارتباط دارند. خود سنجی EI همچنین با انگیزه های بازایی ارتباط دارد. این نتایج نشان می دهد که این، خود باوری در مورد قابلیت های هیجانی فرد به جای دانش هیجانی است که فرآیندهای تنظیم هیجان مردم در زندگی روزمره را تحت تاثیر قرار می دهد. ارتباطات چندسطحی، در Mplus، نمونه های تجربی خوشه بندی در شرکت کنندگان (سطح 2 $N = 84$ ؛ سطح 1 $N = 956$ ؛ میانگین سائز خوشه = 11.4) صورت گرفت. آمار توصیفی و تخمین اعتبار آلفای کرونباخ، برای همه متغیرهای سطح 2 قابلیت اطمینان از 0.66 (STEM-B) تا 0.98 (انگیزه های بازایی سطح 2) متغیر است. امتیازات SREIS دارای ارتباط مثبت قابل توجهی با اصلاح مستقیم، ارزیابی مجدد و به اشتراک گذاری اجتماعی بودند اما ارتباط قابل توجهی با مرور افکار یا حواس پرتی نداشتند. میزان ارتباط بین SREIS و اشتراک اجتماعی از متوسط تا میزان تاثیر بالا بود، در حالی که ارتباط SREIS با اصلاح مستقیم و بازنگری مجدد به اندازه کم تا متوسط بود. امتیازات SREIS به طور قابل توجهی با هر سه انگیزه اشتراک اجتماعی در ارتباط بود و امتیازات STEM-B دارای ارتباط قابل توجهی با انگیزه های تسکین و ارتباط بود. همانطور که انتظار داشتیم این نتیجه نشان دهنده ارتباطات قابل توجه با انگیزه های پیوند و بازایی، اما نه انگیزه های تسکین بود. ارتباط قوی بین خود سنجی EI و اشتراک اجتماعی، یک رابطه دو طرفه است. باور یک فرد از بالا بودن توانایی های هیجانی خود، اعتماد به نفس آن فرد برای استفاده از آنها را بالا می برد (بوچیچ و مک کان، 2019).

Bucich, Micaela, MacCann, Carolyn, (2019), Emotional Intelligence and Day-To-Day Emotion Regulation Processes: Examining Motives for Social Sharing, Personality and Individual Differences 137

در پژوهشی دیگر تحت عنوان انواع هوش های پیش بینی کننده احتمالی برای ازدواج و پایدار ماندن آن، شواهد تجربی در مقیاس بزرگ در نظریه تکاملی این گونه بیان می‌کند که تصمیمات مربوط به ازدواج و طلاق از رویدادهای کلیدی زندگی برای افراد است. در تحقیق حاضر، شواهد گسترده‌ای در مورد نقش هوش فردی در رفتار های ازدواج و طلاق با کنترل منابع ملموس مانند وضعیت درآمد و شرایط اجتماعی ارائه شده. است ما دریافتیم که نمره هوش عاطفی مرد در ابتدای بلوغ، رابطه مثبتی با احتمال ازدواج در یک نمونه از 120290 مرد دارد. هوش همچنین پیش بینی کننده ازدواج دائمی (عدم طلاق) در یک نمونه جداگانه از 68150 مرد متاهل بوده است. هوش زبانی نسبتاً ساده، به نظر می‌رسد احتمال ازدواج را (همبستگی دو جانبه $r = 0.07$) کمی بهتر از هوش عددی ($r = 0.06$) و هوش منطقی ($r = 0.05$) پیش بینی می‌کند. امکان باقی ماندن ازدواج تا حدی از طریق هوش زبانی، عددی و منطقی ($r \approx 0.05$) به یک اندازه پیش بینی می‌شود. مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون، تأثیر مستقیم هوش بر ازدواج را بیش از اثر غیر مستقیم آن از طریق درآمد، وضعیت اجتماعی و سایر متغیرهای کنترلی تأیید می‌کند. این یافته‌ها شواهد تجربی را برای مفهوم روانشناسی تکاملی ارائه می‌دهد که هوش انسانی، به عنوان شاخص تناسب ناملموس، به طور مستقیم بر چشم اندازه‌های ازدواج، نه فقط با نفوذ خود از طریق منابع ملموس مانند وضعیت درآمد و موقعیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. هدف اصلی تحقیق حاضر، جستجوی شواهد تجربی در مقیاس بزرگ برای بررسی این است که کدامیک از این دو مکانیسم نظری- اثر مستقیم یا غیرمستقیم هوش- ممکن است درست باشد. برای احتمال ازدواج، ضریب همبستگی هوش ترکیبی ($P < 0.0001$). حتی در زمان کنترل درآمد و ماشین بسیار قابل توجه است. از لحاظ ضریب تأثیر استاندارد، نمره هوش ترکیبی (B هوش ترکیبی = 0.072 ، $P < 0.0001$) دارای اثر پیش بینی تقریباً برابر با احتمال داشتن ازدواج با داشتن خودرو (B داشتن خودرو = 0.095 ، $P < 0.0001$)، و کمتر از درآمد (B درآمد = 0.244 ، $P < 0.0001$) است. برای احتمال ازدواج، نمره هوش ترکیبی نسبتاً بزرگتر است (B هوش ترکیبی = 0.086 ، $P < 0.0001$): یعنی تقریباً برابر با اندازه درآمد (B درآمد = 0.105 ، $P < 0.0001$) و بزرگتر از داشتن ماشین (B داشتن ماشین = 0.057 ، $P < 0.0001$) است. این نتایج نشان می‌دهد که نمره هوش افراد در اوایل بزرگسالی رابطه مستقیمی با احتمال زندگی پس از ازدواج دارد و ازدواج پایدار دارد، که تا حدی مستقل از نمایه‌های درآمدی و وضعیت اجتماعی است (آسپارا و همکاران، 2018).

Aspara, Jaakko, Wittkowski, Kristina, Luo, Xueming, (2018), Types of intelligence predict likelihood to get married and stay married: Large-scale empirical evidence for evolutionary theory, Personality and Individual Differences 123

این پژوهش تحت عنوان نقش ویژگی های شخصیتی و هوش در موفقیت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی روسی است که در این تحقیق نقش 5 ویژگی شخصیتی مهم و هوش غیر کلامی در تفاوت های فردی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان مورد بررسی قرار گرفته اند. این مطالعه شامل 300 دانش آموز دبیرستانی روسی می شود که تشکیل شده از 148 دختر و 152 پسر (سنین بین 14:50 تا 17.75 ساله). ما ساختار رابطه بین هوش، ویژگی های شخصیتی و موفقیت تحصیلی را با استفاده از الگوی معادلات ساختاری تحلیل کرده ایم. نشان داده شده که برونگرایی منفی وار به هوش غیر کلامی ارتباط داده شده در حالی که گشاده رویی نسبت به تجربیات به طور مثبت و مطلق به آن نسبت داده شده است. از میان 5 ویژگی مهم تنها وفاداری بود که مستقل از سطح هوشی غیر کلامی، باعث تفاوت های فردی در موفقیت تحصیلی شد.

افرادی که سطح پایین تری از هوش دارند معاشرتی و اجتماعی تر می شوند انگار که در پی جبران کمبود موفقیت هستند هوش غیر کلامی به تفاوت های فردی در موفقیت تحصیلی به طور کلی منجر می شود چنانکه در این مطالعه از طریق موفقیت در یادگیری زبان روسی، ریاضیات و زیست شناسی سنجیده شد. این نتیجه با مطالعه نقش ویژگی های شخصیتی و هوش در موفقیت تحصیلی در یک مدرسه با دانش آموزان اهل جمهوری استونی مطابق است در این مطالعه همبستگی مستقیم بین وفاداری و موفقیت تحصیلی یافت شد. همبستگی بین هوش و وفاداری به طور متناوب در نمونه های سنین مدرسه تکرار شده است. باید اشاره شود که وفاداری تنها ویژگی شخصیتی مهم بود که به تفاوت های فردی صرف نظر از سطح هوش هم بخشی کرد.

تحلیل نقش ویژگی های شخصیت و هوش در شکل دادن تفاوت های فردی در موفقیت تحصیلی با استفاده از روش مدل سازی معادله ساختاری نشان می دهد که هوش غیر کلامی در میان رابطه گشاده رویی و موفقیت تحصیلی واقع شده است. هر چه دانش آموزان نسبت به تجربه و دانش جدید در مدرسه باز باشند موفق تر با تست های هوش مواجه می شوند که به نوبه خود با سطح موفقیت تحصیلی همبستگی دارد. ارتباط بین این ویژگی شخصیتی با هوش به طور متناوب در مطالعات تکرار شده و در محتوای نظریه سرمایه گذاری تفسیر شده است. همچنین اینطور دریافت شده که برونگرایی به طور منفی با سطح هوش غیر کلامی مربوط می شود که به نوبه خود با موفقیت تحصیلی همبستگی دارد. همبستگی منفی بین برونگرایی و هوش بر حسب مکانیسم های جبرانی تعبیر شده است.

وفاداری تنها ویژگی از بین پنج ویژگی شخصیتی مهم بود که صرفنظر از سطح پیشرفت فکری منجر به تفاوت های فردی در موفقیت تحصیلی شد. هر چه دانش آموزان وفادارتر و بنابراین مسئولیت پذیرتر، ماهرتر و با انگیزه تر باشند، موفقیت تحصیلی آن ها بیشتر است (ملیخ، 2017).

Malykh, Sergey, (2017), The role of personality traits and intelligence in academic achievement of Russian high school students, Procedia - Social and Behavioral Sciences 237

منابع فارسی:

- پاشاشریفی، حسن، (1395)، نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت، تهران، انتشارات سخن
- براهنی، محمدنقی، بیرشک، بهروز، بیک، مهرداد، زمانی، رضا، شاملو، سعید، شهرآرای، مهرناز، کریمی، یوسف، گاهان، نیسان، محی‌الدین، مهدی، هاشمیان، کیانوش، (1393)، متن کامل زمینه‌ی روان‌شناسی هیلگارد، تهران، انتشارات رشد

منابع خارجی:

-Moron,Marcin,Biolik-Moron,Magdalena,(2021), trait emotional intelligence and emotional experiences during the COVID-19 pademic outbreak in Poland; a daily diary study, personality and individual differences 168

- Walker, Sarah A, Double, Kit s, Kunst, Hannah, Zhang, Michael, MacCann, Carolyn,(2022), emotional intelligence and attachment in adulthood; a meta-analysis, personality and individual differences 184

-Antoine, Pascal, Dauvier, Bruno, Andreotti, Eva, Congard, Anne, (2018), individual differences in the effects of a positive psychology intervention; applied psychology, personality and individual differences 122

-Grive, Rachel, March, Evita, Van Doorn, George, (2019), masculinity might be more tixic than we think; the influence of gender riles on trait emotional manipulation, personality and individual differences 138

- Jensen, Maria H, Bak, Nikolaj, Rostrup, Egill, Nielsen, Mette, Pantelis, Christos, Glenthoj, Birte Y, Ebdrup, Bjorn H, Fagerlund, Birgitte, (2019), the impact of schizophrenia and intelligence on the relationship between ago and brain volume, schizophrenia research; cognition 15

-Fabio, Annamaria, Saklofske, Donald H, (2018), the contributions of personality and emotional intelligence to resiliency, personality and individual differences 123

-Kozlowski, Desiree, Hutchinson, Marie, Hurley, John, Browne, Graeme, (2018), Increasing nurses' emotional intelligence with a brief intervention

- Bucich, Micaela, MacCann, Carolyn, (2019), Emotional Intelligence and Day-To-Day Emotion Regulation Processes: Examining Motives for Social Sharing, Personality and Individual Differences 137

-Aspara, Jaakko, Wittkowski, Kristina, Luo, Xueming, (2018), Types of intelligence predict likelihood to get married and stay married: Large-scale empirical evidence for evolutionary theory, Personality and Individual Differences 123

-Malykh, Sergey, (2017), The role of personality traits and intelligence in academic achievement of Russian high school students, Procedia - Social and Behavioral Sciences 237



پایان

از توجه شما متکرم

